

## بسم الله الرحمن الرحيم

1399/12/06

**موضوع: اسناد قطعی ولادت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در داخل خانه کعبه!**

**درس اخلاق**

**فهرست مطالب این برنامه:**

برای رسیدن به کمالات معنوی، همین یک دستور کافی است!

توصیه ای راهگشا، از عارف سالک، آیه الله بهجت!

مرحله «فناء فی الله»، مرحله ای سخت در طی مسیر عرفان!

تلاش عجیب مخالفان، برای از بین بردن فضائل امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

اسناد قطعی ولادت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در داخل خانه کعبه!

شبهات و هابیت در ولادت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در کعبه!

**استاد: آیت الله دکتر حسینی قزوینی**

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله  
والصلاة على محمد رسول الله وعلى آله آل الله لاسیما على مولانا بقية الله واللعن الدائم على اعدائهم اعداء  
الله إلى يوم لقاء الله.

وَ أَفْوُضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ، حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ، نِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا  
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

ضمن عرض پوزش از تأخیر پیش آمده، ولادت با سعادت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) سید الاوصیاء، افضل الخلائق بعد رسول الله را خدمت شما عزیزان و بزرگواران تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

خدا را به آبروی آقا امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) قسم می‌دهیم، عیدی ما را فرج موفور السرور مولایمان بقیة الله الاعظم قرار بدهد ان شاء الله.

ما در رابطه با بحث‌های اخلاقی، در سابق نکاتی را مطرح کردیم و در آستانه میلاد امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در ادامه همان مطالب، نکاتی را خدمت دوستان عرض می‌کنیم.

### برای رسیدن به کمالات معنوی، همین یک دستور کافی است!

آنچه را که ما برای رسیدن به کمالات نیاز داریم، این است که در ابتدای امر، خدا و ائمه (علیهم السلام) را حاضر و ناظر خودمان بدانیم. اگر ما به این مرحله رسیدیم که خدای عالم شاهد بر ما است و ناظر بر اعمال ما است:

**(وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلٰى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ)**

بگو: «عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند! و بزودی، بسوی دانای نهان و آشکار، بازگردانده می‌شوید؛ و شما را به آنچه عمل می‌کردید، خبر می‌دهد!»

**سوره توبه (9): آیه 105**

یعنی هرکاری شما انجام بدهید خداوند شما را می‌بیند، پیغمبر هم شما را می‌بیند، و مؤمنین هم شما را می‌بینند.

امام صادق (سلام الله علیه) فرمود: مراد از مؤمنین ما هستیم، و گرنه مؤمنین عادی پشت گوش‌شان را هم نمی‌توانند ببینند و خبر ندارند:

«قَرَأَ رَجُلٌ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ فَقَالَ لَيْسَ هَكَذَا هِيَ  
إِنَّمَا هِيَ وَالْمُؤْمِنُونَ فَنَحْنُ الْمَأْمُونُونَ»

الكافي (ط- الإسلامية)؛ نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، تاریخ وفات مؤلف: 329 ق،  
محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الإسلامية، تهران، 1407 ق،  
نوبت چاپ: چهارم؛ ج 1، ص 424، ح 62

این مسئله را اگر ما در خودمان تمرین کنیم، که در شبانه روز زیر نظر هستیم و به این مرحله برسیم که  
حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) ما را می بیند و از نیت قلبی ما هم آگاهی دارد، شاید بشود  
گفت ما نود درصد مراحل کمالات را پیموده ایم.

یعنی دیگر قطعا گناهی از ما سر نمی زند، بلکه فکر گناه هم نمی کنیم. شما اگر در محضر یک بزرگی مشرف  
بشوید، آیا در محضر آن بزرگ، اصلا به ذهنتان می آید کار خلافی انجام دهید؟! مثلا بلند شوید برقصد! یا  
مثلا شروع کنید اشعار آنچنانی بخوانید. اصلا به ذهن شما هم خطور نمی کند که از این کارها بکنید.

لذا اگر بحث حضور را خوب برای خودمان حل کنیم، قدم بزرگی در مسیر خودسازی خواهیم داشت. همان  
تعبیری که هفته گذشته هم از حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) عرض کردم که حضرت به  
«شیخ مفید» فرمود:

«فَإِنَّا يُحِيطُ عِلْمُنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ»

ما احاطه علمی به همه شما و اخبار شما داریم، و چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نیست.

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بيروت)؛ نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد  
تقی، ناشر: دار إحياء التراث العربي، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 53، ص 175، باب ما  
خرج من توقيعاته عليه السلام، ح 7

توصیه ای راهگشا، از عارف سالک، آیه الله بهجت!

یک تعبیری حضرت «آیت الله العظمی بهجت» دارد، می‌فرماید: "شما وقتی حرف می‌زنید به حضرت ولی عصر سلام می‌دهید و یا سخن می‌گویید، قبل از آن که صدای شما را گوش تان بشنود، امام زمان می‌شنود!"  
دوستان اگر قضیه این است ما باید یک مقداری نسبت به کارهای خودمان و اعتقادات خودمان تجدید نظر کنیم.

من دوباره تکرار می‌کنم شما که حرف می‌زنید دعا می‌خوانید، یا بن الحسن می‌گویید، و یا توسلی دارید، قبل از اینکه صدای شما به گوش تان - که به قولی چهار انگشت بیشتر فاصله بین دهان و گوش نیست - برسد به سمع مبارک حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) می‌رسد.

این را اگر ما در خودمان احیاء کنیم، کار بزرگی کرده ایم. این هم نیست جز تفکر، دقت و مطالعه آیاتی که در این زمینه است و روایاتی که در این زمینه است، ما این‌ها را بررسی کنیم و مطالعه کنیم و تمرین کنیم.

وقتی که می‌خواهیم بخواییم این تفکر را داشته باشیم که الان ما در محضر ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) هستیم، حضرت به اذن الله تبارک و تعالی احاطه علمی، در تمام اعمال قلبیه و قالبیه ما دارد.

ده دقیقه، یک ربع را در این زمینه فکر کنیم؛ حتی این‌که ما داریم فکر می‌کنیم و به یاد حضرت هستیم، معتقد باشیم از روز ازل به اذن الله تبارک و تعالی، حضرت ولی عصر می‌دانست که در این ساعت و در این دقایق، ما به فکر و یاد آن حضرت هستیم.

اگر این‌ها را خوب در خودمان احیاء کنیم، من عقیده‌ام بر این است که خیلی از منازل کمالات و سیر الی الله را طی کرده‌ایم تا بعد که نوبت به یکی از مراحل دیگر می‌رسد.

### مرحله «فناء فی الله»، مرحله ای سخت در طی مسیر عرفان!

مرحله بعد، مرحله ای است که در آن، ما تمام اعمال و افکار خودمان را جلوه‌ای از عنایات الله تبارک و تعالی بدانیم؛ جلوه‌ای از عنایات اهل بیت بدانیم؛ یعنی:

**(وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ)**

با اینکه خداوند هم شما را آفریده و هم بتهایی که می‌سازید!

### سوره صافات (37): آیه 96

به آن مرحله بتوانیم برسیم که خیلی مرحله سختی است، به قول عرفا که یک تعبیری دارند.

«فناء فی الله والبقاء بالله»

یعنی به یک جایی برسیم که احساس کنیم هرکاری از ما سر می‌زند، به مشیت و اراده الهی است. این که ما هم‌اش به لقلقه زبان می‌گوییم:

«ولا حول ولا قوة الا بالله»

باید به این یقین داشته باشیم. بعضی از بزرگان مثال می‌زنند می‌گویند ما وقتی که یک آقایی زنده است از او نمی‌ترسیم، وقتی که جنازه‌اش را بیاورند و در اطاق ما بگذارند، وحشت می‌کنیم. با این که می‌دانیم او مرده و یقین داریم که هیچ کاری از او ساخته نیست؛ ولی وحشت داریم، چرا وحشت داریم؟ چون علم به مردن داریم ولی اعتقاد قلبی به مردن نداریم.

غسال میت که کارش شستشوی میت است، صد تا جنازه هم در یک جایی بگذارند، عین خیالش نیست؛ راحت می‌گیرد و می‌خوابد. بعضی از مسائل است که ما به راحتی می‌گوییم، مثلاً می‌گوییم:

«بحول الله و قوته اقوم واقعد»

این ذکر را هر روز هم می‌گوییم؛ ولی آیا به این عقیده داریم؟ آیا ما معتقد هستیم که الان که من دارم حرف می‌زنم، شما که دارید عرایض من را گوش می‌کنید، یعنی واقعاً بینا و بینا معتقدیم: «لا حول ولا

قوة الا بالله العظیم»!؟

این همان «فنا فی الله» است که عرفا دارند. حالا بعضی‌ها که زیاد زبان عرفا را نمی‌دانند، اشکالات من در آوردی دارند و یک سری حرف‌هایی می‌زنند.

اگر شما عباراتی که مرحوم «علامه طباطبایی» در «المیزان» دارد، مرحوم «ملا» «حسینقلی همدانی» دارد، مرحوم «قاضی» دارد، مرحوم «بهارى» دارد؛ یا فرمایشاتی که از بعضی از بزرگان مثل «آیت الله العظمی بهجت» و دیگران منتشر شده ملاحظه کنید، همه دنبال این هستند که احساس کنیم در عالم وجود، یک موجد و یک اراده است و آن اراده الله است و اراده ما، تابع اراده خدای عالم است.

یک مثالی «حضرت امام خمینی» (رضوان الله تعالی علیه) زده، یک مثالی «آیت الله العظمی خویی» زده، یک مثالی هم من همیشه می‌زنم. البته این مثالی که من می‌زنم، یک مقداری عوام فهم‌تر است.

حضرت امام مثال می‌زند که همه اراده‌ها از خدا است، و هرکاری که ما داریم انجام می‌دهیم، تابع اراده الله است. ایشان می‌گوید اگر یک کسی در ته چاهی تاریک باشد، یک نفر یک آئینه‌ای جلوی خورشید بگیرد و به طرف چاه نور بیندازد، این آقایی که ته چاه است، چون خورشید را نمی‌بیند تصور می‌کند این نور مال آئینه است. و حال آن‌که آئینه نوری ندارد، نور همه مال خورشید است، «لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم» یعنی این!

«آیت الله العظمی خویی» (رضوان الله تعالی علیه) هم مثالی برای این مورد می‌زند و می‌گوید اگر یک نفر تمام اعضای بدنش از کار بیفتد، این را به یک موتور برق و به دستگاهی وصل کنند که با کمک آن دستگاه و آن برق، بدنش به حرکت در بیاید، وقتی این طرف و آن طرف راه می‌رود و دستش را تکان می‌دهد، این خیال می‌کند که این حرکت‌ها برای خودش است و حال آن‌که تمام این حرکت‌ها برای نیروی برقی است که از این دستگاه می‌آید.

اعمال و کارهایی که ما انجام می‌دهیم، ما تصور می‌کنیم که ما هستیم انجام می‌دهیم، من هستم که تصمیم می‌گیرم، من هستم درس می‌خوانم، من هستم عالم هستم، من هستم حرکت می‌کنم و حال آنکه اگر خوب دقت کنیم «لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم؛ بحول الله وقوته اقوم واقعد و اركع و اسجد وامشی...!» این دو تا مثال را این دو تا بزرگوار زده‌اند.

اما من یک مثال خیلی ساده‌ای که شاید یک مقداری عوامانه است و خیلی راحت می‌شود تصور کرد می‌زنم.

شما الان نور لامپ را دارید در خانه تان می‌بینید و می‌گویید ببینید این لامپ چقدر روشنایی دارد! چقدر اینجا را روشن کرده است و خوشحال هستید.

اگر احساس می‌کردید این لامپ می‌شنود، از این لامپ تشکر هم می‌کنید که آقای لامپ ممنون از شما اطاق ما را روشن کردید، سالن ما را روشن کردید، اگر روشنایی از شما نبود ما در تاریکی بودیم!

حالا من می‌خواهم سوال کنم، آیا این لامپ از خودش روشنایی دارد؟ شما هزار تا لامپ در سالن تان بگذارید، آیا این لامپ‌ها می‌توانند به اندازه سر سوزنی روشنایی بدهند؟ نه. تمام روشنی لامپ از کارخانه برق است، هرچه دارد از کارخانه برق دارد. آنجا است که نیروی برق تولید می‌کند و این لامپ برای ما روشنایی می‌دهد.

در اینجا من می‌خواهم این استفاده را کنم که ائمه (علیهم السلام) که واسطه فیض هستند، تمام فیوضات الهی به وسیله ایشان به ما می‌رسد:

«بِئْمْنِهِ رُزْقُ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ»

زاد المعاد- مفتاح الجنان؛ نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (تاریخ وفات مؤلف: 1110 ق)، محقق / مصحح: اعلامی، علاءالدین، ناشر: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت 1423 ق، ص423

«بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ اللَّهُ»

الکافی (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، ج4، ص 576، بَابُ زِيَارَةِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام)، ج2

«بِكُمْ يَنْزِلُ الْغَيْثُ وَ بِكُمْ يُمْسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِكُمْ يَنْفُسُ الْهَمَّ وَ يَكْشِفُ  
الضَّرَّ بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ، وَ بِكُمْ يَخْتِمُ اللَّهُ»

المزار الكبير (لابن المشهدي)؛ نویسنده: ابن مشهدی، محمد بن جعفر، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی  
وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، محقق/ مصحح: قیومی اصفهانی، ص 532

این‌ها واسطه فیض هستند، من ائمه (علیهم السلام) را بلا تشبیه، بلا تشبیه به این سیم برقی که میان  
لامپ و کارخانه برق است تشبیه می‌کنم. که اگر این سیم ارتباطی نداشته نباشد، کارخانه برق، هرچه قدرت  
در نیروی برق داشته باشد، این لامپ نمی‌تواند روشن بشود.

اگر این وساطت اهل بیت (علیهم السلام) نباشد، هیچ حرکتی از خودمان نمی‌توانیم بروز بدهیم؛ این‌ها  
واسطه فیض هستند؛ این‌ها این فیوضات الهی را به ما می‌رسانند. ولذا ما باید دقت کنیم بر این‌که آن‌چه  
که از ما سر می‌زند از خدای عالم و با وساطت اهل بیت (سلام الله علیهم اجمعین) است.

اگر ما به این مرحله رسیدیم، دیگر «فناء فی الله» می‌شود؛ یعنی:

به دریا بنگرم دریا تو بینم \*\*\* به صحرا بنگرم، صحرا تو بینم

مردان خدا پرده‌ی پندار دریدند \*\*\* یعنی همه جا غیر خدا هیچ ندیدند!

اگر به اینجا رسیدیم، و به زبان خیلی عامیانه «فناء فی الله» شد، «بقاء بالله» برای ما روشن می‌شود.  
معنای:

«كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَ بَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَ لِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ وَ يَدَهُ الَّتِي يَنْطِشُ بِهَا إِنْ  
دَعَانِي أَجَبْتُهُ وَ إِنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ وَ مَا تَرَدَّدْتُ عَنْ شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ»

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق/ مصحح: غفاری  
علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیه، ج 2، ص 352، ح 7



همین است. یعنی من خودم چشم بندهام می‌شوم، او با من می‌بیند، با من حرف می‌زند و با من حرکت می‌کند؛

**(صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ)**

رنگ خدایی (بپذیرید! رنگ ایمان و توحید و اسلام؛) و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟! و ما تنها او را عبادت می‌کنیم.

**سوره بقره (2): آیه 138**

دیگر تمام اعضا و جوارح ما رنگ الهی می‌گیرد، زبان ما زبان خدا می‌شود، دست ما دست خدا می‌شود، تمام حرکات ما حرکات الهی می‌شود، این دیگر در حقیقت معنای خیلی ساده‌ای: «البقاء بالله» است. که تمام حرکات و سکنت‌مان جلوه‌ای از عنایات و اراده و مشیت الهی می‌شود.

**تلاش عجیب مخالفان، برای از بین بردن فضائل امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)**

به نظرم بحث اخلاق‌مان به همین اندازه بس باشد، شبی را که پیش رو داریم شب میلاد اقا امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است و آن هم در «بیت الله الحرام».

دشمنان اهل‌بیت خیلی تلاش کردند که فضائل اهل‌بیت را به هر قیمتی است از بین ببرند؛

« و قد أنصف الشافعي: محمد بن ادريس، إذ قيل له: ما تقول: في عليّ؟ فقال: و ما ذا أقول في رجل أخفت أوليائه فضائله خوفا، و أخفت أعداؤه فضائله حسدا، و شاع من بين ذين ما ملأ الخافقين.»

دشمنان علی از روی عداوت و حسادت، فضائل علی را مخفی کردند، دوستان علی هم از ترس فضائل امیرالمؤمنین را مخفی کردند. فضیلت علی تمام شرق و غرب عالم را پر کرد.

حلیة الأبرار في أحوال محمّد و آله الأطهار عليهم السلام؛ نویسنده: بحرانی، سید هاشم بن سلیمان،

تاریخ وفات مؤلف: 1107 ق، ناشر: مؤسسه المعارف الإسلامية، قم، 1411 ق، ج2، ص 136

من یک عبارتی را در رابطه به این که اینها چه کار کردند خدمت عزیزان عرض کنم، آقای «ذهبی» عبارتی در کتاب «تذکره الحفاظ» دارد، همان طور که ملاحظه می کنید این کتاب «تذکره الحفاظ» اثر «ذهبی» است. «ذهبی» از کسانی است که نصب و دشمنی ایشان برای همه روشن است.

ایشان در کتاب هایش تلاش کرده فضائل امیرالمؤمنین را مخفی کند و اگر هم توانسته با اشکال سندی و نتوانسته اشکال سندی بگیرد اشکال دلالی و اگر هم با اشکال دلالی نتواند، می گوید:

«یشهد القلب انه باطل»

میزان الاعتدال في نقد الرجال؛ اسم المؤلف: شمس الدين محمد بن أحمد الذهبي الوفاة: 748، دار

النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1995، الطبعة: الأولى، تحقيق: الشيخ علي محمد معوض

والشيخ عادل أحمد عبدالموجود، ج 1، ص 213

شما اگر به کتاب «میزان الاعتدال» ایشان مراجعه کنید این مطلب وجود دارد. ایشان در کتاب «تذکره الحفاظ» جلد 3 در رابطه با «ابن سقاء» می گوید:

«الحافظ الامام»

هم حافظ بوده و هم پیشوا بوده

تذکره الحفاظ؛ اسم المؤلف: أبو عبد الله شمس الدين محمد الذهبي الوفاة: 748، دار النشر: دار

الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ج3، ص 965، ش 906

کلمه «امام» در مصطلح اهل سنت همان عبارت «مرجع جهان تشیع»، بزرگ مرجع تقلید است. کلمه «امام» هم در نزد اینها همین وزنه را برایشان دارد. برای هرکسی کلمه ی امام را به کار نمی برند.

«ابن سقاء» هم حافظ و هم امام و هم محدث بوده است. می‌گوید یک روزی ایشان بالای منبر «حدیث طیر» را نقل کرد، «حدیث طیر» را هم حتما دوستان شنیده‌اند، برای پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) یک مرغ بریانی آوردند فرمود خدایا:

«أَنْتِنِي بِأَحَبِّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ يَا كُلُّ مَعِي هَذَا الطَّيْرُ»

خدایا محبوب‌ترین انسان‌ها را برسان که در این مرغ بریان با من هم غذا شود.

«فَجَاءَ عَلِيٌّ فَأَكَلَ مَعَهُ»

علی آمد و غذا را با پیامبر میل فرمود.

الجامع الصحيح سنن الترمذي؛ اسم المؤلف: محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذي السلمي الوفاة:

279، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - -، تحقيق: أحمد محمد شاكر وآخرون، ج 5، ص

636، ح 3721

این نشان می‌دهد که محبوب‌ترین انسان‌ها امیرالمؤمنین است، می‌گوید این را بالای منبر گفت؛ بعد مردم:

«فوثبوا به واقاموه»

حمله کردند او را کتک زدند و از منبر پایین آوردند.

«وغسلوا موضعه»

منبر را آب کشیدند

تذكرة الحفاظ؛ اسم المؤلف: أبو عبد الله شمس الدين محمد الذهبي الوفاة: 748، دار النشر: دار

الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ج 3، ص 966

یعنی اگر فضائل علی در یک منبری گفته شود، آن منبر نجس می‌شود!! عزیزان دقت کنند مطلب در «تذکرة الحفاظ»، جلد 3، صفحه 965 است.

### اسناد قطعی ولادت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در داخل خانه کعبه!

ولی با همه این حال تولد حضرت علی در خانه «کعبه» را نتوانستند مخفی کنند، ببینید «حاکم نیشابوری» در کتاب «مستدرک» جلد 3 صفحه 550 می‌گوید:

«فقد تواترت الأخبار»

روایت متواتر داریم.

روایت متواتر از دیدگاه اهل سنت، و حتی ما شیعیان، نازل منزله آیه قرآن است. یعنی قطعی است.

(وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ)

و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید! آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست!

سوره نجم(53): آیه 3 و 4

و هرکس روایت متواتر را انکار کند کافر است. شما به کتاب «مجموعه فتاوی ابن تیمیه» جلد اول صفحه 109 مراجعه کنید در مورد انکار روایت متواتر این را گفته است.

«حاکم نیشابوری» می‌گوید:

«فقد تواترت الأخبار»

روایات متواتر داریم

«أن فاطمة بنت أسد ولدت أمير المؤمنين علي بن أبي طالب كرم الله وجهه في جوف الكعبة»

«فاطمه بنت اسد» امیرالمؤمنین را در درون کعبه به دنیا آورد.

المستدرک علی الصحیحین؛ اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري الوفاة:

405 هـ دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1411هـ - 1990م، الطبعة: الأولى، تحقيق:

مصطفى عبد القادر عطا، ج3، ص550، ح 6044

این نشان می‌دهد که این‌ها با همه تلاش‌های که می‌کردند، در این رابطه عاجز مانده‌اند. این را «ابو زکریای ازدی» در کتاب «تاریخ موصل» مطرح می‌کند. این کتابی را که ملاحظه می‌کنید، کتاب «تاریخ موصل» است می‌گوید:

«وكان ولد في الكعبة ولم يولد فيها خليفة غير أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام»

آن حضرت در کعبه به دنیا آمد ، هیچ يك از خلفا غير از امیرمؤمنان علي بن أبي طالب [عليه السلام] کسی دیگری در کعبه به دنیا نیامده است.

تاریخ الموصل، ابوزکریا الازدی، کتاب الثالث عشر، ص 58

«ابن صباغ مالکی» در «الفصول المهمة في معرفة الأئمة» می‌گوید:

«ولم يولد في البيت الحرام قبله أحد سواه وهي فضيلة خصه الله تعالى بها»

قبل از علی احدی در بیت الله الحرام به دنیا نیامده و این فضیلتی است که خدای عالم مخصوص علی کرده است.

«إجلالا له وإعلاء لمرتبته وإظهارا لكرامته»

خدای عالم خواسته علی را تجلیل کند و جایگاه علی را بلند مرتبه کند و کرامت علی را برای مردم بیان کند.

بعد می‌گوید:

«فولدت غلاماً نظيفاً منظّفاً لم أر أحسن وجهاً منه، فسّمّاه أبو طالب عليّاً»

الفصول المهمة في معرفة الأئمة؛ نویسنده : علي بن محمد أحمد المالكي ( ابن الصباغ ) (وفات :

855)، تحقيق: سامي الغريبي، ناشر: دار الحديث للطباعة والنشر، قم: 1422، ص 173

«ولی الله دهلوی» در کتاب «ازالة الخفاء عن خلافة الخلفاء» در صفحه 262 و 263 مفصل قضیه را نقل می‌کند. «حلبی» در کتاب «سیره حلبیه» جلد اول صفحه 159 و «صفوری شافعی» در «نزهة المجالس و منتخب النفائس» نقل می‌کند.

بینید این‌ها همه بزرگان اهل سنت هستند که دارند نقل می‌کنند و شما دارید ملاحظه می‌کنید. همگی ولادت امیرالمؤمنین را در «کعبه» نقل کرده‌اند. این یک نکته است.

نکته دیگری که باز در کلمات بزرگان اهل سنت آمده و همچنین در کتب شیعه هم آمده است، مدت اقامت مادر امیرالمؤمنین در زمان وضع حمل در درون کعبه است. «حافظ گنجی» متوفای 658 است ایشان در کتاب «کفایة الطالب» صفحه 406 می‌گوید:

«ولد أمير المؤمنين علي بن أبي طالب بمكة في بيت الله الحرام ليلة الجمعة لثلاث عشرة ليلة خلت من رجب سنة ثلاثين من عام الفيل ولم يولد قبله ولا بعده مولود في بيت الله الحرام سواه إكراماً له بذلك ، وإجلالا لمحلّه في التعظيم»

امیر مؤمنان علیه السلام شب جمعه سیزده رجب ، سال سوم بعد از واقعه عام الفیل در داخل خانه خدا به دنیا آمد. کسی پیش از آن حضرت و بعد از آن در داخل خانه کعبه به دنیا نیامده است و این از فضائل اختصاصی آن حضرت است که خداوند به جهت بزرگداشت مقام او عطا کرده است.

کفایة الطالب في مناقب علي بن أبي طالب عليه السلام، ص 405-406

وقتی حضرت امیر (سلام الله علیه) به دنیا آمد سه شبانه روز «فاطمه بنت اسد» در درون «بیت الله الحرام» مهمان خدا بود.

این که در آنجا چه گذشت ما نمی‌دانیم، بعد از سه روز «فاطمه بنت اسد» با یک نوزاد و کنداقه‌ای که پارچه‌هایش از پارچه‌های بهشتی بود بیرون آمد. او را به دست «حضرت ابوطالب» (سلام الله علیه) داد؛ ایشان وارد شد کنداقه علی (علیه السلام) را به دست گرفت و گفت:

«يا رب هذا الغسق الدجي \* والقمر المنبلج المضي»

ای خدای شب‌های تار و ای خدای ماه روشن

«بين لنا من أمرك الخفي \* ماذا ترى في اسم ذا الصبي»

برای ما از آن امر خفی خودت روشن کن که ما اسم این بچه را چه بگذاریم؟

می‌گوید:

«سمع صوت هاتف وهو يقول:

يا أهل بيت المصطفى النبي \* خصتم بالولد الزكي

إن اسمه من شامخ العلي \* علي اشتق من العلي»

كفاية الطالب في مناقب علي بن أبي طالب عليه السلام، ص 405-406

عبارتش خیلی واضح و روشن است. بعد «قندوزی» و دیگران دارند که «ابو طالب» خیلی خوشحال شد و برای خدای عالم سجده شکر به جا آورد و ده تا شتر عقیقه کرد.

این عبارت، در یک لوحی در «بیت الله الحرام» آویزان بود و «بنی هاشم» به این افتخار می‌کردند. تا در زمان قتال «حجاج» با «عبدالله زبیر» لوحی که این اشعار نوشته شده بود از بین رفت.

البته این را علمای شیعه مثل «ابن شهر آشوب» (رضوان الله تعالی علیه) در «مناقب آل علی ابن ابی طالب» جلد 2 صفحه 23 دارد.

این فضائل برای امیرالمؤمنین باقی ماند. با آن همه که تلاش کردند فضائل علی پخش نشود، حتی یکی از بزرگان اهل سنت تعبیری دارد، خیلی تعبیر عجیبی است. این را هم عزیزان دقت کنند.

«عبدالله بن شداد» و این کتاب «سیر اعلام النبلاء» اثر «ذهبی» است. ایشان در جلد 3 صفحه 489 این مطلب را دارد. «عبدالله بن شداد» فقیه، ثقه و ایشان از روات «صحیح بخاری و صحیح مسلم» است؛ می‌گوید:

«وددت أني قمت على المنبر من غدوة إلى الظهر»

من دوست دارم از اول صبح تا ظهر منبر بروم

«فأذكر فضائل علي بن أبي طالب رضي الله عنه»

فضائل علی را بالای منبر بگویم

«ثم أنزل فيضرب عنقي»

از منبر پایین بیایم و گردن من را هم بزنند

بینید این خیلی عجیب است، بعد ذهبی می‌گوید:

«حديث عبد الله مخرج في الكتب الستة ولا نزاع في ثقته»

حدیث «عبدالله بن شداد» در صحاح سته ما است.

سیر اعلام النبلاء؛ اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبي أبو عبد الله الوفاة: 748،

دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - 1413، الطبعة: التاسعة، تحقيق: شعيب الأرنؤوط ، محمد

نعيم العرقسوسي، ج3، ص 489

وقتی که صحاح سته و «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» از کسی روایت نقل می‌کند، دیگر از دیدگاه اهل سنت هیچ مشکلی ندارد.



بینید اینها با امیرالمؤمنین این چنین کردند؛ ولی با همه این حال ما می‌بینیم بر این که فضائل علی عین آفتابی که یک چند لحظه‌ای ابری می‌آید و از تابش نور خورشید جلوگیری می‌کند، ولی بلا فاصله از پشت ابر بیرون می‌آید؛ این دیگر کاملاً واضح و روشن است که فضائل امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به این شکلی مخفی نمانده است.

### شبهات وهابیت در ولادت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در کعبه!

یک شبهه‌ای که وهابی‌ها در شبکه‌هایشان مطرح می‌کنند در مورد این هم عرض کنم تا بحث ما یک کم پاسخ به شبهات هم باشد.

#### شبهه اول:

این‌ها می‌گویند این مطلبی که شما در رابطه با حضرت امیر (سلام الله علیه) می‌آورید که در «کعبه» متولد شد، پس مقام علی بالاتر از پیغمبر است! پیغمبر در «مکه» متولد نشد و شما دارید علی را از پیغمبر بالاتر می‌برید!!

خیلی عجیب است. یعنی اینها از نظر شیطنت به یک جایی رسیده‌اند، طبق روایت ما که داریم، بعضی از افراد هستند که شیطان از آن‌ها قرض می‌گیرد، اینها به این مرحله رسیده‌اند.

ما چند تا جواب از این شبهه می‌دهیم. یک: خیلی از مسائل این چنینی است. مثلاً حضرت عیسی بدون پدر به دنیا آمده است و این فضیلتی برای حضرت عیسی است. پیغمبر اکرم این فضیلت را نداشت، که بدون داشتن پدر به دنیا بیاید. آیا این دلیل بر این است که مقام حضرت عیسی بالاتر از مقام پیغمبر است؟ این چه حرفی است که شما دارید می‌زنید.

حضرت آدم بدون داشتن پدر و مادر به دنیا آمده، رسول اکرم از پدر و مادر به دنیا آمده، آیا این مطلب دلیل بر این است که حضرت آدم بالاتر است؟

حضرت علی (سلام الله علیه) همسری همانند زهرای مرضیه دارد، که «بضعة النبی» است. رسول اکرم همچنین همسری نداشت. آیا این دلیل بر این است که امیرالمؤمنین از رسول اکرم بالاتر است؟ در کتاب «شرف المصطفی» که یکی از علمای بزرگ اهل سنت نوشته است، در جلد 5 صفحه 306 روایتی را می‌آورد که خود رسول اکرم می‌فرماید:

«قال لعلی بن أبی طالب رضی الله عنه: أوتیت ثلاثا لم یؤتھن أحد ولا أنا: أوتیت صھرا مثلی ولم أوت أنا مثلی، وأوتیت صدیقة مثل ابنتی ولم أوت مثلھا زوجة، وأوتیت الحسن والحسین من صلبک ولم أوت من صلبی مثلھما، ولكنکم منی وأنا منکم.»

یا علی خدای عالم سه تا فضیلت به تو داده که احدی حتی من هم ندارم. یک: پدر زنی مثل من داری، و من مثل تو یک پدر زنی که اشرف خلائق باشد ندارم. دو: مثل صدیقه طاهره همسری داری، من همچنین همسری ندارم. سه: فرزندان مثل حسن و حسین از صلب تو است، از صلب من همچنین فرزندان به دنیا نیامده است.

شرف المصطفی؛ المؤلف: عبد الملك بن محمد بن إبراهيم النيسابوري الخركوشي، أبو سعد (المتوفى: 407 هـ)، المحقق: أبو عاصم نبیل بن هاشم الغمري آل باعلوي، الناشر: دار البشائر الإسلامية - مكة، الطبعة: الأولى - 1424 هـ؛ ج 5، ص 306

پس این شبهه‌ای که مطرح می‌کنند، شبهه‌ای کاملا بی ارزش است.

### شبهه دوم:

نکته و شبهه‌ی دیگری که این‌ها دارند که خیلی روی آن سر و صدا می‌کنند می‌گویند ولادت در درون کعبه ای که مملو از بت بوده، آیا این برای امیرالمؤمنین فضیلت است؟ این را هم خوب دقت کنید، ببینید شیطنتهای این‌ها تا چه حدی است. به دنیا آمدن امیرالمؤمنین در درون کعبه‌ای که مملو و پر از بت بود. این فضیلت نیست!!

ما به اینها هم جواب قرآنی می‌دهیم و نیز جواب روایی می‌دهیم: یک: همین خانه‌ای که مملو از بت است، وقتی ابرهه می‌خواست خراب کند خداوند عالم از همین خانه مملو از بت حمایت کرده است.

**(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ؛ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ؛ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ؛ تَزْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ؛ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ)**

آیا ندیدی پروردگارت با فیل سواران [= لشکر ابرهه که برای نابودی کعبه آمده بودند] چه کرد؟! آیا نقشه آنها را در ضلالت و تباهی قرار نداد؟! و بر سر آنها پرندگانی را گروه گروه فرستاد، که با سنگهای کوچکی آنان را هدف قرار می‌دادند؛ سرانجام آنها را همچون کاه خورده شده (و متلاشی) قرار داد!

**سوره فیل (105): آیات 1 تا 5**

خداوند از خانه‌ای که مملو از بت بوده حمایت کرده است؛ پس بودن بت در خانه دلیل این نیست که شرافت این خانه زیر سوال برود.

دو: همین خانه‌ای که مملو از بت بوده، تا سال سیزدهم بعثت مورد طواف پیغمبر بوده است. مسلمان‌هایی که اسلام آورده بودند در اطراف همین خانه‌ای مملو از بت طواف می‌کردند؛ پس این نقص است. پیغمبر خانه و جایی را دارد طواف می‌کند که 360 بت در آنجا است.

سه: تا فتح مکه این خانه پر از بت مورد طواف مسلمانان بود و بعد از فتح مکه آیه آمد:

**(قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ)**

روی خود را به جانب مسجد الحرام کن! و هر جا بودید، روی خود را به سوی آن کنید!

**سوره بقره (2): آیه 150**

در حقیقت من خواستم امروز به مناسبت ولادت آقا امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در خانه خدا اشاره‌ای کرده باشم و هم این شبهه را پاسخ گفته باشیم. شبهات اینها زیاد است من این دو مورد را عرض کردم.  
خدا ان شاء الله به همه شما توفیق عنایت کند، و این عید را هم بر شما مبارک بگرداند. التماس دعا از همه عزیزان و بزرگواران!

«والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته»